عنوان:

گرایش ذاتی انسان به نور

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-4 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/یقظه/آیات و روایات |
| برچسب | یقظه، بیداری، نور، برهان، فطرت، قرآن، پیامبر اکرم، علامه طباطبایی(ره) |
| توضیحات |  |

 يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدۡخِلُهُمۡ فِي رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا

سوره نساء، آیه 174

ترجمه مضمونی:

اى مردم! البته براى شما از جانب پروردگارتان برهان و دلیل روشنی آمده است، و ما نورى روشنگر به سوى شما فروفرستاده ايم. پس کسانی که به خدا ایمان بیاورند و به او تمسک بجویند، خدا آنها را در رحمت و فضل خود وارد می کند و آنها را در صراط مستقیم، به سوی خود هدایت می کند.

بیان:

انسان ذاتاً و فطرتاً، گرایش به نور و روشنایی دارد و از ظلمت و تاریکی گریزان است. و همچنین عقل او به دنبال استدلال و دلیل است.

در این آیه شریفه، خدای متعال، انسان را به این دو امر که در ذات او نهفته است، متوجه می کند که ای انسان! اگر تو به دنبال دلیل هستی و طالب روشنی و نور هستی، بدان که ما هر دو را برای تو فراهم کرده‌ایم. توجه به ربّ نیز سومین نکته ای است که خدای متعال گوشزد می کند.

نکته دیگر اینکه بدون هیچ زحمتی، برهان و نور، به نزد این انسان رفته است. یعنی هیچ بهانه ای برای کنار گذاشتن و نپذیرفتن آنها ندارد.

منظور از برهان، به احتمال قوی، پیامبر اکرم است و مراد از نور، قرآن است.

آخرین نکته در این زمینه این است که خدای متعال، به بیان آثار و نتایج پیروی از برهان و نور می پردازد. عده ای از انسان ها با فهم آثار، بیدار می شوند و به حرکت می افتند؛ چه اثار مثبت و چه آثار منفی.

در این آیه، آثار مثبت بیان شده است و آثار منفی هم استفاده می شود؛ چنانچه در تفاسیر آمده است.

علامه طباطبایی(ره) می فرماید:

«راغب در كتاب خود (مفردات) گفته است: كلمه:" برهان" به معناى بيان دليل است و اين كلمه بر وزن" فعلان" است مانند رجحان و" ثنيان" و بعضى از علماى ادب گفته‏اند: اين كلمه مصدر است و فعل" بره يبره" از آن مشتق مى‏شود كه به معناى" روشن شد و روشن مى‏شود" است اين بود گفتار راغب.

پس بر اين حساب اين كلمه در هر حال مصدر است ولى بسا مى‏شود كه در معناى فاعل استعمال مى‏شود و اين وقتى است كه خود دليل و حجت را برهان بخوانند، يعنى روشن كننده.

و مراد از نور، چيزى به جز قرآن نمى‏تواند باشد، چون در باره‏اش فرموده:" وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً"، ممكن هم هست مراد از برهان نيز قرآن باشد و اين دو جمله بنا بر اين مؤكد يكديگرند.

اين احتمال هم هست كه مراد از كلمه" برهان" رسول خدا (ص) باشد، مؤيد اين احتمال اين است كه جمله در ذيل آياتى واقع شده كه بيانگر صدق رسول خدا (ص) در رسالتش مى‏باشد و مؤيد ديگرش اين است كه قرآن از ناحيه خداى تعالى نازل شده (و نمى‏شود گفت: قرآن نزد شما آمده) و مؤيد سومش اين است كه آيه شريفه مورد بحث، نتيجه گيرى از آن آيات است و باز مؤيد ديگر آن جمله:" وَ اعْتَصَمُوا بِهِ" در آيه بعد است، چون در سوره آل عمران در تفسير آيه:" وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ" گفتيم: كه مراد از اعتصام، تمسك به كتاب خدا و پيروى رسول خدا (ص) است.

" فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ ..." اين جمله ثواب كسانى را بيان مى‏كند كه برهان پروردگار خود را و نور نازل از ناحيه او را پيروى كرده‏اند.

و اين آيه چنين مى‏نمايد كه از آيه قبلى انتزاع و نتيجه گيرى شده است، چون آيه قبلى هم ثواب كسانى را بيان مى‏كرد كه ايمان آورده، عمل صالح مى‏كنند و مى‏فرمود:" فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ" و شايد به همين جهت بوده كه در اينجا كيفر كسانى را كه از پيروى برهان و نور تخلف مى‏كنند بيان نكرد، چون اين آيه، خود، همان مضمون آيه قبل را دارد و با اين حال ديگر حاجتى نبود كه وضع متخلفين و آنها كه استنكاف و استكبار مى‏ورزند را دوباره تكرار كند، چون در اينجا فهماند جزاى پيروان اينجا، جزاى پيروان آنجا است و در اين ميان به جز دو طائفه وجود ندارد يا پيرو و يا متخلف. و بر اين اساس جمله:" فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ" در مقابل جمله:" فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ" است كه همانا بهشت باشد و نيز در اين آيه جمله:" و فضل" در مقابل جمله:" وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ" در آن آيه است و اما جمله:" وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِراطاً مُسْتَقِيماً"، در حقيقت يكى از آثار اعتصام به خداى تعالى است كه در سوره آل عمران نيز ذكرش آمده و فرموده بود: وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ»[[1]](#footnote-1)

1. - ترجمه تفسير الميزان، ج‏5، ص: 250 [↑](#footnote-ref-1)